

Analysis of the effects of political ideology on Christian evangelism during the Qajar era in Iran

Omid Rezaei*

Received: 2023/02/06

Seyyed Mohammadreza Tabatabaei**


Accepted: 2023/08/10

The evangelistic activity of Christianity has had many ups and downs in the history of Iran. The change from traditional evangelism to organizational evangelism was a big change that was more visible during the Qajar era. It is important to pay attention to these transformations in the sense that the evangelical boards had a political approach due to their dependence on their respective governments, and in this way, they faced the political ideology of the governments for religious and political reasons. The main question of the article is: What are the effects of political ideology in the Qajar period on the flow of Christian preaching? For the analysis a three-level analysis theory of political ideology, has been used. The findings of the research indicate that the evangelization flow during the Qajar rule adopted different approaches in accordance with the political crises. Due to the contradiction in the content and the great alienation of the political ideology of the Qajar government with the evangelization movement, this current has been active in general non-obvious periods and in other periods due to the predominance of financial and political dependence on Western countries and the lack of stability and power of the government.

Keywords: Evangelism of Christianity, Evangelistic organization, Holy Quran, Political ideology, Qajar, Three-level theory of political ideology. Iran.


* PhD in Political Thought , Imam Sadiq University, Faculty of Islamic Studies and Political Sciences, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

o.rezaee@ut.mail.ir

 0000-0002-5400-1928

** Associate Professor of Political Science, Imam Sadig University, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Tehran, I.R.Iran.

tabatabai@isu.ac.ir

 0000-0003-1799-1990

تحلیل تأثیرهای ایدئولوژی سیاسی بر تبشیر مسیحی در دوره قاجاریه^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۹

مقاله برای بازنگری به مدت ۳۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

امید رضائی*

سیدمحمدرضا احمدی طباطبائی**


چکیده

فعالیت تبشیری مسیحیت در تاریخ ایران دارای فراز و فرود بسیاری بوده است. تغییر از تبشیر سنتی به تبشیر سازمانی تحول بزرگی بود که بیشتر در دوران قاجار خود را نمایان کرد. توجه به این دگرگونی‌ها از آن حیث مهم است که هیئت‌های تبشیری به جهت وابستگی به دولت‌های متبوع خود، دارای رویکرد سیاسی بودند و به این ترتیب به دلایل دینی و سیاسی با ایدئولوژی سیاسی حکومت‌ها مواجهه داشته‌اند. سؤال اصلی مقاله عبارت است از: تأثیرهای ایدئولوژی سیاسی در دوره قاجار بر جریان تبشیر مسیحی کدامند؟ برای تحلیل از روش «نظریه مبنا» (نظریه تحلیل سه سطحی ایدئولوژی سیاسی) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که جریان تبشیر طی دوران حکومت قاجار به تناسب بحران‌های سیاسی رویکردهای مختلفی را اتخاذ کرده است. این جریان به دلیل مغایرت در محتوا و غیریت‌سازی زیاد ایدئولوژی سیاسی حکومت قاجار با جریان تبشیر، در دوره‌هایی به صورت عموماً غیرآشکار و اما در دوره‌هایی به دلیل غلبه وابستگی مالی و سیاسی به دول غربی و عدم ثبات و قدرت حاکمیت، به صورت آشکار فعالیت داشته است.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی سیاسی، تبشیر مسیحی، سازمان تبشیری، قاجاریه، کتاب مقدس، نظریه سه سطحی ایدئولوژی سیاسی.


* دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

o.rezaee@ut.mail.ir

 0000-0002-5400-1928

** دانشیار گروه اندیشه سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

tabatabai@isu.ac.ir

 0000-0003-1799-1990

مقدمه

بیان مسئله: بررسی تاریخ فعالیت‌های تبشیری در ایران حکایت از آن دارد که گستره حضور هیئت‌های تبشیری فرازوفرودهای فراوانی داشته است. پس از دوران صفوی که شاهد حضور هیئت‌های بسیار تبشیری به ایران بودیم، با وقفه نسبتاً طولانی در دوره قاجار، فضا دوباره برای فعالیت این گروه‌ها مهیا شد. در دوره صفوی و بعدازآن تا قبل از دوره قاجار، کلیساها و مراکز الهیاتی به تبشیر فعالیت اصلی را داشتند، اما در دوران قاجار تبشیر سازمانی به صورت رسمی مطرح شد و توانست تبشیر را به جنبه‌های مختلف جامعه ایران تسری دهد. یکی از دلایل توسعه فعالیت‌ها در دوران قاجار، سیاست‌های دولتی و نحوه مواجهه دولت‌های قاجار در مقابل این جریان بوده که مسئله اصلی مقاله حاضر را شکل می‌دهد.

اهمیت: مسئله مقاله حاضر از دو جنبه دارای اهمیت می‌باشد. اول اینکه دارای اهمیت نظری است؛ چرا که دانش بومی در خصوص شناخت و تحلیل رویکردهای مختلف تبشیر مسیحی را توسعه می‌دهد. دوم با بررسی تأثیرهایی که جریان تبشیر از تحولات سیاسی دوران قاجار گرفته، می‌تواند به سیاست‌گذاری مطلوب در این زمینه کمک نماید تا سیاست‌های کارآمدتری اتخاذ شود؛ و به این ترتیب دارای اهمیت کاربردی است.

ضرورت: تبشیر سازمان‌یافته که هنوز هم جامعه درگیر آن است، دارای ویژگی‌هایی است که در صورت عدم شناخت آن‌ها و درک نادرست کارکردهای مختلفی که این نوع رویکرد تبشیری از عصر قاجار به بعد داشته؛ به ناکارآمدی سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی در کشور دامن می‌زند. به این جهت پژوهش دارای اهمیت راهبردی است.

اهداف: کمک به رفع کمبودها در زمینه نسبت سیاست‌ها و ایدئولوژی و مناسبت‌های عصر قاجار و روند تحولات جریان تبشیر هدف اصلی این مقاله است. همچنین آشنایی با تنوع فعالیت‌های فرهنگی، درمانی و آموزشی جریان تبشیر در ایران و همچنین تبیین اهداف پوشیده آنها؛ به عنوان دو هدف فرعی نویسندگان مطرح هستند.

سؤال‌ها و فرضیه: این مقاله فرضیه‌آزمای نیست و سؤال‌محور است. پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: ایدئولوژی سیاسی حکومت قاجار چه تأثیری بر تبشیر مسیحی در ایران داشته است؟ دو سؤال فرعی نیز عبارت‌اند از: شیوه ورود و گسترش

تبشیر مسیحی در ایران در عصر قاجار چگونه بوده است؟ دوره‌های تاریخی تحول تبشیر مسیحی در ایران کدامند؟

۱. پیشینه پژوهش

آثار تحلیلی و تاریخی قابل توجهی در موضوع تبشیر در ایران انجام و منتشر شده است که می‌توان آن‌ها را در دو بخش بررسی کرد:

۱-۱. سابقه پژوهشی موضوع در نشریه علمی دانش سیاسی

در زمینه تبشیر دو مقاله مرتبط در این نشریه وجود دارد. افتخاری، نصرت پناه و رضائی (بی تا) به تحلیل تأثیر ایدئولوژی سیاسی حکومت‌های پهلوی و جمهوری اسلامی بر روند تبشیر مسیحی پرداخته‌اند. این مقاله چهارچوب نظری برای تحلیل تأثیر ایدئولوژی سیاسی حکومت‌ها بر یک جریان سیاسی را ارائه کرده که ما هم در این مقاله به آن ارجاع داده‌ایم با این تفاوت که در پژوهش حاضر تأثیرگذاری ایدئولوژی سیاسی حکومت قاجار بر روند تبشیر مسیحی تحلیل شده است. همچنین ذیل مسئله اقلیت‌ها مقاله‌ای در این زمینه منتشر شده که به موضوع تبشیر اشاره دارد. ترابی (۱۳۸۸) به نظریه گسست قومی در این زمینه استناد کرده و نقش اقلیت‌های دینی مانند مسیحیت در ایران در مسئله ملت‌سازی را تحلیل نموده که از حیث رویکرد تحلیلی با مقاله حاضر متفاوت است.

۲-۱. سابقه پژوهش در سایر منابع علمی

سابقه پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص تبشیر مسیحی را از نظر موضوع و رویکرد موضوعیشان می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

الف. آثار با موضوع «مسیحیت مقایسه‌ای»

این آثار به تحلیل مسیحیت به صورت مقایسه‌ای پرداخته‌اند؛ برای مثال توحیدی (۱۳۹۳) و لوسانیان (۱۳۹۲) از جمله این آثار هستند که آموزه‌ها و اعتقادهای مسیحی را در عهدین و قرآن بررسی کرده‌اند.

ب. آثار با موضوع «سیر تفکر مسیحی»

برخی از متون مربوط به مسیحیت به زبان فارسی هم تاریخ سیر تفکر مسیحی را مورد اشاره قرار می‌دهند؛ از جمله زیبایی‌نژاد (۱۳۸۹) به موضوع تاریخ و کلام مسیحیت اشاره دارد؛ برینگتن‌وارد (۱۳۸۰) به شناخت مسیحیت و شاخه‌های آن می‌پردازد. در این کتاب‌ها به صورت کلی به برخی موضوع‌های تاریخی اشاره شده است.

پ. آثار با موضوع «تاریخ مسیحیت در ایران»

برخی آثار تاریخی هم به موضوع مسیحیت در ایران اشاره دارند. نفیسی (۱۳۹۲) که ابتدا در سال ۱۳۷۹ چاپ شده به تاریخچه ورود مسیحیت به ایران از دوران اشکانی، سپس ساسانیان و همچنین تعامل‌های مسیحیان با مسلمانان در صدر اسلام در ایران می‌پردازد. هر دو کتاب اقبال آشتیانی (۱۳۸۴) و اقبال آشتیانی و منصوری (۱۳۸۴) از مواردی هستند که به مغولان در ایران پرداخته‌اند. پیرنیا و اقبال آشتیانی (۱۳۸۰) هم به بررسی تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه پرداخته‌اند. در این کتاب‌ها به صورت ضمنی به مسئله تبشیر مسیحی در دوران قاجار اشاره شده است. رایت (۱۳۸۵) که خود سیاستمدار انگلیسی در ایران بوده، به بررسی انگلیسی‌هایی که به ایران آمده‌اند پرداخته و به میسیونرهای انگلیسی عصر قاجار هم اشاره داشته است. «ساناساریان» به سیر تحول‌های مسیحیت در ایران، البته با نگاهی جانبدارانه پرداخته و سیاست‌ها برای حفظ جامعه اسلامی را به نوعی جفا بر کلیسا قلمداد کرده است (Sanasarian, 2000). «آر.واترفیلد» به شاخه‌های مختلف کلیساهای مسیحی و فعالیت‌هایشان در ایران اشاره کرده است (Waterfield, 2012).

ت. آثار در زمینه تبشیر در دوران قاجار

در این منابع موضوع محوری مسئله تبشیر مسیحیان طی دوره قاجار است و از این حیث با پژوهش حاضر ارتباط دارند. با توجه به تنوع این آثار می‌توان آن‌ها را از حیث محتوایشان به سه گروه کوچکتر تقسیم کرد:

یک. آثاری که به بررسی عملکرد جریان تبشیری به صورت کلی و یا در زمینه‌ای خاص پرداخته‌اند؛ برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: برومند (۱۳۸۱) که فعالیت

انجمن تبلیغی کلیسا C.M.S را در دوره قاجاریه بررسی کرده؛ خاموشی (۱۳۹۶) که به بررسی هیئت‌های میسیونری آمریکایی در دوره قاجار مستقر در منطقه آذربایجان همت گمارده؛ محمدی (۱۳۸۵) و طالبی دارستانی (۱۴۰۰) که فعالیت میسیونرها را از ابتدای دوران قاجار تا میانه قرن چهارم هجری در منطقه آذربایجان غربی بررسی کرده‌اند؛ حاجیان‌پور و خاموشی (۱۳۹۵) به تبشیر نسطوریان در ارومیه در بازه هشت‌ساله از منظر پزشکی اشاره کرده‌اند؛ و بالاخره حاجیان‌پور و بینشی‌فر (۱۳۹۵) که فعالیت‌های پزشکی میسیونرها در دوران قاجار را بررسی کرده‌اند.

دو. آثاری که تحول تاریخی تبشیر و روابط آن‌ها را با سایر گروه‌ها در دوره قاجار را بررسی کرده‌اند؛ از جمله، امین (۱۳۷۵) در مدخل «تبشیر» از دانشنامه جهان اسلام؛ الدر (۱۳۳۳) که از رهبران تبشیری در ایران بوده و به بررسی روند تبشیر در عصر قاجار پرداخته؛ و امینی‌نژاد (۱۳۹۴) که روابط یهودیان با میسیونرهای پروتستان را در عصر قاجار بررسی کرده است.

سه. آثاری که بررسی و تحلیل مبادی فکری و الگوهای رفتاری تبشیری‌ها در دوران قاجار را دنبال کرده‌اند؛ مانند، گزارشی از هیئت‌های تبشیری اروپایی طی سه قرن در کشورهای مختلف توسط «رینگروز» ارائه شده و درخصوص ایران هم بخش قابل‌توجهی دارد (Ringrose, 2018)؛ و یا «ون‌گورد» که گزارشی مهم از فعالیت‌های مسیحیت در ایران و همچنین هیئت‌های تبشیری در ادوار مختلف ایران، به حساب می‌آید (Van Gorder, 2010). همچنین باید به اثر «رابرت گلیو» اشاره داشت که کتابی جامع در زمینه تحول‌های دینی ایران در عصر قاجار می‌باشد. امکانات و روش‌های به‌کارگرفته‌شده برای تبشیر و مدارس مسیحی در دوره قاجار از مطالب مهم این کتاب است (Gleave, 2004). ویلسون، نیز که سی‌سال به‌عنوان میسیونر مستقر در ایران دوران قاجار فعالیت داشته، در کتابش نقاط توجه میسیونرها در مورد فرهنگ و رسوم ایرانیان را بحث کرده است (Wilson, 1895).

در مجموع می‌توان چنین اظهار داشت که وجه بارز و نوآورانه پژوهش حاضر ورود آن به بحث روابط دولت و جریان تبشیری، آن هم با تأکید بر نقش و جایگاه ایدئولوژی سیاسی است که در آثار پیشین به‌مثابه موضوعی مستقل پژوهش نشده است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

در این بخش مبانی مفهومی و نظری پژوهش تحدید شده‌اند:

الف. تبشیر: در عهدین تبشیر به معنای ارائه پیغام خوش یا همان پیام دعوت به گرویدن به مسیحیت است (Deel, 2017, pp. 9-10). تبشیر مسیحی هم به تبلیغ دینی درون مسیحیان برای جلب به یک کلیسای خاص اطلاق می‌شود و هم به تبشیر غیرمسیحیان به مسیحیت (امین، ۱۳۷۵، ص. ۳۲۴۴). آنچه در این پژوهش مدنظر است تبشیر به معنای تبلیغ دینی مسلمانان است.

ب. میسیونر: فردی دارای آموزش الهیاتی که برای تبشیر به منطقه‌ای مأمور می‌شود، میسیونر نامیده می‌شود (Hale, 1995, P. 6).

پ. شاخه‌های کلیسایی: منظور از شاخه‌های کلیسایی، فرق مختلف مسیحی است. دنیای مسیحیت به سه شاخه اصلی کلیسایی تقسیم می‌شود: کاتولیک رومی، ارتدکس شرقی و پروتستان (Rhodes, 2015, p.15).

ت. نظریه تحلیل سه سطحی ایدئولوژی سیاسی

بر مبنای «نظریه تحلیل سه سطحی ایدئولوژی سیاسی»، می‌توان شیوه مواجهه یک حکومت در مقابل یک جریان فکری با منشأ خارجی را بر اساس چند معیار اصلی تحلیل کرد (افتخاری، نصرت‌پناه و رضائی، بی‌تا):

معیار اول. محتوای جریان تبشیری است. این معیار خود به سه صورت مغایر، همسو یا خنثی با فرهنگ جامعه هدف قابل بررسی است.

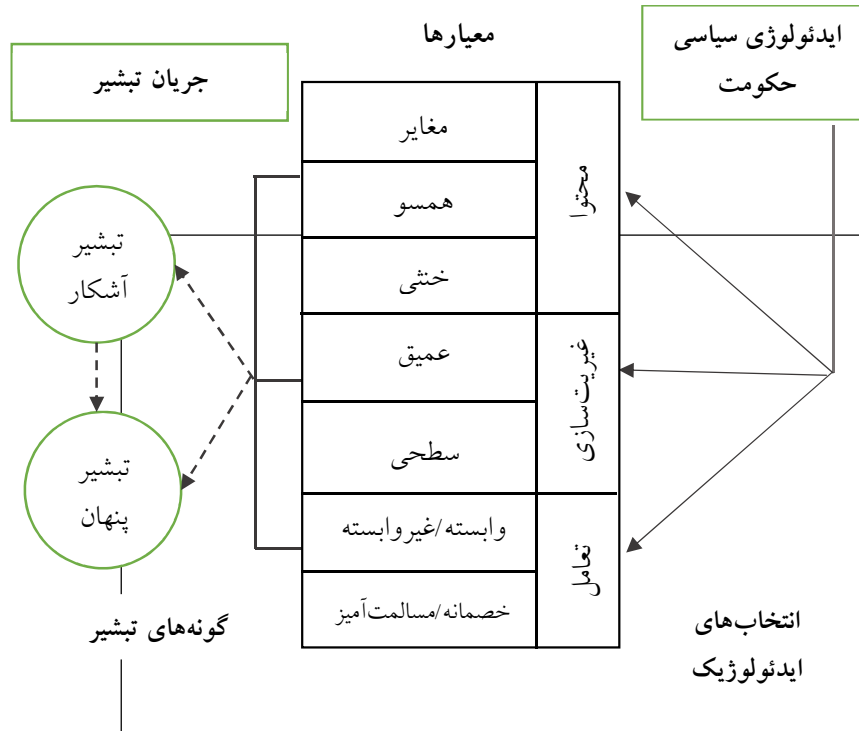
معیار دوم. «غیریت‌سازی» است که به دو شکل سطحی (نداشتن هویت‌های مغایر و نسبتاً خنثی) و یا عمیق (مرزهای هویتی برجسته‌شده) قابل تعریف است.

معیار سوم. «نحوه تعامل» حکومت کشور مبدأ جریان فکری با حکومت کشور میزبان جریان فکری است که به صورت وابسته یا غیروابسته، خصمانه یا مسالمت‌آمیز، قابل دسته‌بندی است.

بنابراین نظریه، با توجه به معیارهای فوق، گونه فعالیت آشکار و پنهان برای فعالیت یک جریان (در این مقاله تبشیر مسیحی) در کشور میزبان (در این مقاله ایران عصر قاجار) قابل تصور است. گونه اول به صورت یک جریان رسمی ظهور می‌یابد که در محل بحث

این مقاله فعالیت‌های علنی و قانونی تبشیری است و تلاش دارد با استفاده از سکوت یا همراهی حکومت یا بخش‌هایی از حکومت به گسترش نفوذ خود پرداخته و بر پیروانش بیفزاید. گونه دوم اما منجر به فعالیتی غیرقانونی خواهد شد که جریان مذکور تلاش می‌کند عدم همراهی یا مخالف حکومت را با روش‌های نفوذ پنهان و ظرفیت‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی جبران کند (افتخاری، نصرت‌پناه و رضائی، بی‌تا).

نمودار شماره (۱): الگوی تحلیل سه سطحی مناسبت‌های ایدئولوژی سیاسی حکومت و جریان‌ها



(منبع: افتخاری؛ نصرت‌پناه و رضائی، بی‌تا)

۳. ایدئولوژی سیاسی سلطنت قاجار و جریان تبشیر

با توجه به الگوی نظریه ایدئولوژی سیاسی جریان تبشیر، وضعیت جریان تبشیری در ایران عصر قاجار در ارتباط با ایدئولوژی سیاسی دوره قاجار در سه سطح قابل تحلیل است.

۳-۱. محتوایی ایدئولوژی سیاسی حکومت قاجار

ایدئولوژی سیاسی حکومت قاجار، ترویج نقش ظل‌اللهی پادشاه - به‌عنوان حافظ کیان شریعت و مملکت - بوده است. نسبت این ایدئولوژی با جریان تبشیر به شرح زیر است.

الف. ارزیابی نظری: با توجه به ساختار حکومت پادشاهی قاجار، قوم ترک قاجار در قدرت بودند. قدرت و ثروت در اختیار این قوم بود اما به اقوام دیگر خودمختاری خود را می‌دادند و فقط از آن‌ها می‌خواستند تسلیم اوامر پادشاه باشند، به‌این ترتیب حکومت قاجار از وجود قومیت‌ها در ایران به نفع قوام سلطنت خود استفاده می‌کرد و خواستار همسان‌سازی همه مردم و شکستن قدرت اقوام در درون بدنه اجتماعی یا همان همسان‌سازی یک دولت نوین نبود (رستمی و زیباکلام، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۵). آنچه محور توجه شاهان قاجار برای تثبیت حکومتشان بود بر این مبنا نه ایدئولوژی ناسیونالیستی بلکه توجه به ریشه‌های دینی بود. سلاطین حکومت قاجار سعی داشتند از همان ادبیات مشروعیت‌بخش دوران صفوی استفاده کنند، اما در حکومت قاجار، حتی در زمان فتحعلی‌شاه که رابطه دین و حکومت روابط خوبی بود، هرگز مشروعیتی که علما برای پیشبرد امور برای سلاطین صفوی قائل بودند مهیا نبود (علیزاده بیرجندی و حمیدی، ۱۴۰۰، ص. ۲۲۰). اطاعات از پادشاه در پایه ایدئولوژی سیاسی ظل‌اللهی توجیه می‌شد و به‌این ترتیب فرامین او بر همه مردم لازم‌الاجرا در نظر گرفته می‌شد و ستیز با شاه به‌منزله ستیز با خداوند است (ربانی‌زاده و لطفی، ۱۳۹۴، ص. ۶۰).

ب. ارزیابی تاریخی: البته سلاطین قاجار برای تثبیت شان الهی شاه به‌عنوان ایدئولوژی سیاسی خود، با مشکل‌هایی هم مواجه بودند. علاوه بر مسئله عدم همراهی فقها با حکومت قاجار در مقایسه با حکومت صفوی، مفاهیم فکری وارداتی از غرب هم در این زمینه مشکل بزرگی محسوب می‌شد. مطرح‌شدن موضوع حکومت مشروطه و مسئله نقش مردم در مشروعیت قدرت حاکمیت، نقضی اساسی در تفکر ظل‌اللهی پادشاهان قاجار ایجاد کرد. نظریه‌پردازان مشروطه با فرض مشروطه بودن قدرت پادشاه و برتری آن، ایدئولوژی سیاسی حکومتی این دوره را با چالش جدی مواجه کردند. پس از شکست مشروطه‌خواهان، ایدئولوژی سیاسی ظل‌اللهی بار دیگر با قوت توسط نظام سلطنت قاجار دنبال شد (علیزاده بیرجندی و حمیدی، ۱۴۰۰، ص. ۲۲۲).

در مجموع ارزیابی نظری و تاریخی محتوای ایدئولوژی سیاسی حکومت عصر قاجار، نشان‌دهنده مغایرت آن با جریان تبشیر مسیحی است.

۲-۳. غیریت‌سازی در حکومت قاجار

دومین رکن نظریه حکومت قاجار را غیریت‌سازی شکل می‌دهد.

الف. ارزیابی نظری: با توجه به اتکای ایدئولوژی سیاسی حکومت قاجار بر تفکر ظل‌اللهی پادشاه، این حکومت نمی‌توانست در برابر جریان‌های فکری و دینی با منشأ خارجی که دین اسلام را تهدید می‌کردند، بی‌تفاوت باشد، چراکه در غیر این صورت قدرت جامعه روحانیت ریشه‌های این ایدئولوژی سیاسی را تهدید می‌کرد، چراکه در دوره قاجار قدرت علما به‌حدی بود که نظام آموزشی خاص خود را داشتند و حتی در برخی زمان‌ها و در برخی بخش‌های کشور نظام قضائی و زندان‌ها و حتی خیریه‌ها و مراکز نگهداری از سالمندان و محرومان را در کنترل خود داشتند و به‌این ترتیب علمای شیعی قدرت بزرگی در جامعه ایران کسب کرده بودند. برخی نویسندگان غربی این مسئله را به عدم دولت‌سازی توسط حکومت قاجار و عدم توانایی شاهان قاجار در این مسئله مربوط دانسته‌اند (Baskan, 2014, p. 90؛ خوشحال و عابدینی، ۱۳۹۰، صص. ۱۲۴). از طرف دیگر ایدئولوژی سیاسی قاجار از جانب اندیشه‌های منورالفکرهای غرب‌گرا در معرض تهدید بود و به این جهت از حضور جریان‌های تبشیری مسیحی خود را آسیب‌پذیر می‌دید (خوشحال و عابدینی، ۱۳۹۰، صص. ۱۲۴-۱۲۷). همچنین حکومت قاجار به دلیل نیاز به ارتباط با دول اروپایی از نظر نظامی و همچنین بدهی‌هایی که پادشاهان قاجار داشتند، نمی‌توانست به‌صورت سخت در برابر میسوونرهای تبشیری که تحت حمایت سفارت‌خانه‌های غربی در ایران حضور داشتند، موضع بگیرد. به این دلایل دوره قاجار با فراز و فرودهای مختلف در برخورد با جریان تبشیر مواجه بوده است.

ب. ارزیابی تاریخی: وقایع سیاسی قرن نوزدهم در سرنوشت کشورهای اسلامی نظیر ایران نیز تأثیرگذار بود. سیاست‌مداران، نه‌تنها در ایران بلکه در بقیه جهان اسلام، دریافتند که از پیشرفت‌های غرب بسیار عقب‌مانده‌اند. از نظر اقتصادی و نظامی در موقعیتی نبودند که با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه انگلیس، روسیه و دیگر قدرت‌های غربی

رقابت کنند بلکه حتی برای دوام خود مجبور شدند که دول قدرتمند حمایت دریافت کنند. پادشاهی ایران نیز که خود را در معرض ضعف می‌دید حتی برای پیشبرد امور جاری مملکت به این کشورها از جنبه‌های مختلف وابسته بود که جلوه بسیار روشن آن دریافت وام است. مجموع این رویدادها بدان معنا بود که دیگر پادشاهان ایران نمی‌توانستند با مبلغان مسیحی مانند پادشاهان صفوی و به‌خصوص شاه‌عباس رفتار کنند. پس فعالیت‌های تبشیری هم با فشار سیاسی دول قدرتمند مسیحی غربی در ایران شدت گرفت و میسیونرهای مسیحی به‌طور مرتبط به ایران آمدورفت داشتند (Baskan, 2014, p. 90; Blake, 2009, p. 10). در مجموع می‌توان چنین اظهار داشت که: ایدئولوژی سیاسی رسمی عصر قاجار با جریان تبشیر غیریت‌سازی عمیقی داشته، اما با توجه به نفوذ دولتمردان منورالفکر و غربگرا در دولت و والیان ولایت‌ها، بدنه اجرایی کشور غیریت‌سازی سطحی‌ای با جریان تبشیر داشته است.

۳-۳. نوع تعامل سلطنت قاجار با جریان تبشیری

رخدادهای مختلف در تاریخ سلطنت سلاطین قاجار و همچنین تحول‌های فکری در این دوره موجب تحول در مواجهه دولت و جریان تبشیر شد که در دو سطح قابل تحلیل است:

الف. ارزیابی نظری (ظهور نهادهای جدید تبشیری): دوره قاجار؛ دوره مواجهه مستقیم ایران با قدرت دول غربی است. در این دوره میسیونرهای خارجی به‌طور گسترده‌تر وارد ایران شدند. نهضت ترجمه کتاب مقدس به فارسی ایجاد شد و سازمان‌های تبشیری به‌عنوان پدیده جدید در تبشیر و تحت تأثیر دستاوردهای دوران نوین به وجود آمد. سازمان‌هایی برخلاف مدارس الهیات مسیحی که کارویژه‌شان تربیت الهیدان مسیحی بوده، این سازمان‌ها متمرکز بر تبشیر و نفوذ فرهنگی بوده‌اند. یکی از بارزترین این سازمان‌ها، «سی.ام.اس» یا «انجمن تبلیغی کلیسا» انگلستان بود که در ایران هم فعالیت‌های تبشیری بسیاری را به انجام رساند (تشکری بافقی، ۱۳۹۲، صص. ۳-۶). نکته جالب آن است که حتی تعداد زیاد هیئت‌های تبشیری در دوره قاجار موجب شد که ادبیات مربوط به تبشیر هم در ایران تغییر کند؛ به‌عنوان مثال واژه میسیونر از اواسط دوره قاجار به بعد، به‌ویژه پس از مشروطیت و آشنایی ایرانیان با

زبان فرانسه و هم‌زمان با افزایش فعالیت‌های تبشیری‌ها بیشتر مورد استفاده قرار گرفت (امین و ثبوت، ۱۳۷۵، ص. ۲۵۷۰).

ب. **ارزیابی تاریخی:** تحول‌های تبشیر مسیحی در دوران قاجار را می‌توان در قالب چند دوره ارزیابی کرد:

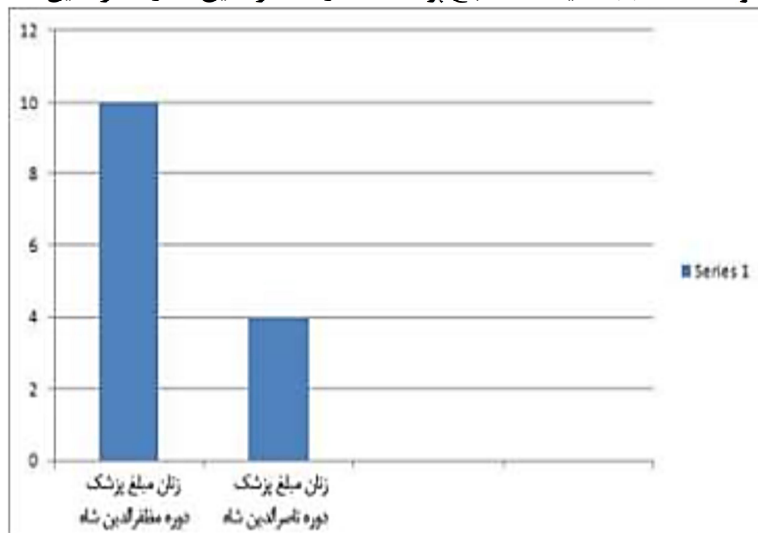
اول. **دوره عدم موفقیت و آشنایی با حساسیت‌ها:** طی سلسله قاجار (۱۷۹۴-۱۹۲۵) مسیونرهای پروتستان اروپایی و آمریکایی به‌طور پیوسته به ایران آمدند. تعدادی از مبلغان کاتولیک فرانسوی نیز بودند که در دهه ۱۸۰۰ وارد ایران شدند، اما آن‌ها عمدتاً بر حمایت از مسیحیان بومی و برخی مسلمانان مسیحی‌شده، متمرکز شدند. تقریباً تمام تلاش‌های مسیونرهای اولیه به فعالیت در میان مسیحیان ارمنی و آشوری محدود می‌شد و تبشیری‌ها رسماً از تبلیغ آشکار مسلمانان دلسرد می‌شدند (Van Gorder, 2010, p. 125). اولین مسیونرهای پروتستان که گزارش مأموریت آن‌ها ثبت‌شده، دو نفر از فرقه مورویایی آلمانی بودند که در اواسط قرن هجدهم وارد ایران شدند. البته چندان موفق نبودند. این تجربه باعث شد هیئت‌های تبشیری پروتستان پس‌از آن بیشتر نسبت به حساسیت‌های جامعه ایران آگاه شوند (Bradley, 2014, p. 235). هیئت آلمانی از ۱۸۳۲ فعالیت خود را در ایران آغاز نمود، اما در ۱۸۳۶ ایران را به دلیل عدم موفقیت ترک کرد (تشکری بافقی، ۱۳۹۲، ص. ۴).

دوم. **دوره ایجاد پایگاه‌های آموزشی - درمانی و نفوذ فرهنگی:** کم‌کم هیئت‌های مسیونری حساسیت‌های جامعه سنتی اسلامی ایران را درک کردند. به‌همین دلیل تلاش‌ها برای ایجاد یک کلیسای بومی متمرکز بر مسلمانان، در ابتدا در دستورکار قرار نگرفت و تبشیر با هدف ایجاد پایگاه اجتماعی، حول محور راه‌اندازی بیمارستان‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و یتیم‌خانه‌ها توسعه یافت. این سیاست باعث شد برنامه‌های اجتماعی کلیساهای پروتستان به‌طور تصاعدی در ایران رشد کردند. مراکز بیمارستانی و دیگر مراکز خدماتی، درون خود کلیساهای کوچکی درست کردند تا از آن طریق به تبشیر بپردازند. در سال ۱۸۷۶، به‌اندازه کافی نوکیش وجود داشت تا کلیسایی متمرکز بر مسلمانان مهیا شود. دولت قاجار در سال ۱۸۸۰، تحت فشار علمای شیعه و مردم مسلمان، دستوری صادر کرد که همه مسلمانان را از شرکت در مراسم مسیحی یا بازدید

از کلیساهای کوچک داخل بیمارستان‌ها یا هر کلیسایی منع می‌کرد. البته این بار هم فشار انگلیس مؤثر واقع شد و خدمات عمومی (نظیر درمانگاه‌ها و غیره) با رویکرد تبشیری تنها دو سال بعد با لغو این قانون از سر گرفته شد. فشارها ادامه یافت تا جایی که در سال ۱۸۸۰ جامعه پروتستان و میسیونرهای خارجی اجازه یافتند تا کمیته‌هایی را برای رسیدگی به امور حقوقی جامعه خود، مستقل از دادگاه‌های شرعی اسلامی، تشکیل دهند. حتی توسط پادشاه قاجار مقرر شد مسلمانانی که به مسیحیت گرویده‌اند، دارایی و ارث خود را حتی پس از مسیحی شدن حفظ کنند. در سال ۱۸۸۱، با دخالت و فشار مستقیم وزارت خارجه انگلیس، قانونی مصوب شد و باطل بودن شهادت مسیحی علیه مسلمان را لغو کرد (Spellman, 2004, PP. 158-160; Van Gorder, 2010, PP. 125-126). البته تا پیش از این احوال‌های شخصیه مانند ازدواج و طلاق مسیحیان، براساس شریعت خودشان و توسط جامعه مسیحیان صورت می‌گرفت (Becker, 2015, p. 50). در کل می‌توان اظهار داشت که فعالیت تبشیری در دوره قاجار برای اولین بار به شکل سازماندهی شده بروز کرد؛ مبشران به کارهای آموزشی در ایران پرداختند. پزشکان مبشر به ایران اعزام شده و مراکز درمانی مسیحی در ایران تشکیل دادند (حاجیان‌پور و بینشی‌فر، ۱۳۹۵، ص. ۸۴). برخی از این پزشکان میسیونر حتی یادداشت‌های خاطره‌های خود را نیز در غالب سفرنامه به یادگار گذاشته‌اند (صدری، ۱۳۷۴، ص ۱۲). پزشکی در دوران قاجار بسیار ضعیف بود و آب سالم وجود نداشت. قحطی و بیماری‌های واگیردار چون وبا، طاعون، مالاریا، سل، آبله و غیره، سریع فراگیر می‌شدند. «کارلا سرنا»^۱، جهانگرد ایتالیایی به وضعیت بد بهداشتی و درمانی در ایران و خدمات پزشکی هیئت‌های تبشیری آن دوره اشاره و اینکه حتی خود پادشاه و درباریان ایران هم از معاینه‌های و روش درمان غربی آن‌ها شگفت‌زده شده بودند (حاجیان‌پور و بینشی‌فر، ۱۳۹۵، صص. ۸۱-۸۲). از طرف دیگر مبشران مسیحی اعتقاد داشتند یک پزشک مبشر باید انجیل زنده بوده و همیشه در ابتدا یک مبشر باشد و در ادامه از تأثیر التیام بیماران برای تبشیر استفاده کند. پزشک با اقشار مختلف مواجه است و توانایی خوبی برای تبشیر دارد و درمان ابتدایی این امر را فراهم می‌کند (حاجیان‌پور و بینشی‌فر، ۱۳۹۵، ص. ۸۶). در همین ایام رابرت بروس از انجمن تبلیغ کلیسا انگلستان، اولین بیمارستان مسیحی انگلیسی با خدمات همگانی را در شهر اصفهان تأسیس کرد و

خدمات را به یزد و کرمان نیز توسعه داد (حاجیان پور و بینشی فر، ۱۳۹۵، ص. ۸۷). هیئت‌های پروتستان آمریکایی هم در همین سال‌ها وارد ایران شدند. تا سال ۱۸۷۱ حدود ۵۲ مبشر از جمله پزشکان آمریکایی وارد ایران شده بودند. در سال ۱۸۷۰ فعالیت آن‌ها به دو بخش منتقل شد. لشکر شرق، مسئولیت تبشیر در شهرهای تبریز، تهران، همدان، قزوین و کرمانشاه و لشکر غرب، تبشیر در آذربایجان و بخش‌هایی از کردستان، قفقاز و ارمنستان را بر عهده داشتند (Price, 2005, P. 109). آن‌ها در شهرهای همدان، تهران، ارومیه و کرمانشاه مراکز پزشکی و آموزشی با دندانپزشک، ماما و پرستار تأسیس کردند. زنان مبشر پرستار حتی به خانه افراد هم می‌رفتند و تبشیر را در خانه‌ها پیگیری می‌کردند (حاجیان پور و بینشی فر، ۱۳۹۵، ص. ۹۸).

نمودار شماره (۱): مقایسه زنان مبلغ پزشک در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه



(منبع: حاجیان پور و بینشی فر، ۱۳۹۵، ص. ۹۹)

هیئت آمریکایی «مسیون برای نسطوریان ایران» اولین مدرسه مختص آشوریان را بنیان‌گذاری کرد (تشکری بافقی، ۱۳۹۲، ص. ۴). این مدرسه در سال ۱۸۳۰ در ارومیه تأسیس شد. لازاریست‌های کاتولیک فرانسوی هم در همین سال‌ها (از ۱۸۳۸) به بعد چهار مدرسه (دو مدرسه تبریز و اصفهان برای ارامنه و دو مدرسه ارومیه و سلماس

برای آشوریان کلدانی) تأسیس کردند. فرقه‌های مختلف به مدرسه‌سازی رو آوردند. همه این مدارس در ابتدا مختص مسیحیان بود، اما به تدریج تدریس به همه (اعم از مسلمانان، مسیحیان و یهودیان) و به زبان فارسی و برای هر دو جنسیت ارائه شد. صاحب‌منصبان قاجاری فرزندانشان را با سودای فرستادن به فرنگ به مدارس میسیونری‌ها می‌فرستادند؛ به‌عنوان نمونه پسر محتشم‌السلطنه در مدارس مسیحی لازاریست تحصیل کرد. پسران والیان ولایت‌های مختلف پسرانشان را به مدارس آمریکایی برای تحصیل می‌فرستادند. درحالی‌که از نظر دولت تغییر دین از یهودیت به مسیحیت (یا برعکس) مجاز بود، اما به اسلام مجاز نبود ولی مسیحی‌سازی مسلمانان بدون شک توسط مدارس مسیحی به شکل قابل‌توجهی تسهیل شد. ضعف ساختار قدرت اجازه چنین اقدام‌هایی را به میسیونری‌ها می‌داد (Price, Gleave, 2004, p. 282; Price, 2005, pp. 108-109).

سوم. دوره مقاومت علما و ممنوعیت تشریفات تیشیر: فشار علما و مسلمانان باعث صدور فرمان سلطنتی در سال ۱۸۴۲ شد که تیشیر مسیحی را ممنوع می‌کرد، اما فعالیت آن‌ها به تدریج نشان داد این فرمان در عمل موفق نبود. دوباره فشار موجب شد در سال‌های ۱۸۸۱ و ۱۸۸۲ دستور پایان فعالیت هیئت‌های میسیونری در میان مسلمانان صادر شود، اما گزارش‌های مأموران حکومتی قاجار باز نشان می‌داد میسیونرها هنوز به تیشیر مشغول بودند. ساختار سست فئودالیسم در ایران عصر قاجار، سوءحکومت‌داری و فساد باعث شده بود تا فرمان‌های دربار عملاً نادیده گرفته شود (Gleave, 2004, p. 282). درواقع باید گفت علی‌رغم ممنوعیت ظاهری فعالیت‌های میسیونرها در جامعه، اما دولتمردان (عمدتاً غرب‌زده) حکومت قاجار پذیرای این‌گونه مباحث بودند چراکه از هرگونه تلاش برای سازگاری جامعه ایرانی با ارزش‌های غربی استقبال می‌کردند و از ورود میسیونرها مسیحی جلوگیری نمی‌کردند. در موارد معدودی در این دوره و آن‌هم زیر فشار قشر مذهبی از ورود برخی میسیونرها ممانعت شد. حتی برخی از دولتمردان رسماً معتقد بودند که میسیونرها می‌توانند کمک‌کننده مثبتی برای پیشرفت نوسازی در ایران باشند. گزارش‌ها حکایت دارد که دولتمردان شاهنشاهی مایل بودند با کمک به میسیونرهای اروپایی و به‌خصوص انگلیسی روابط خوب خود را با قدرت‌های

امپراتوری حفظ کنند. فساد حاکم بر دربار در ایران هم باعث شده بود اقتدار و نظارت دولت کمتر شود و هیئت‌های میسیونری بتوانند در خلأ نظارت فعالیت‌های خود را افزایش دهند (Spellman, 2004, PP. 156-157). دیدگاه‌های مداراگرایانه دولتمردان تنها از جانب بخش کوچکی از جامعه و تعداد انگشت‌شماری شخصیت دینی شیعی حمایت می‌شد و اکثریت جامعه به تدریج در قبال فعالیت خارجی در کشور، به‌ویژه آن‌هایی که به دنبال اعمال نفوذ بودند، موضع گرفتند. تبشیر موضوعی مهم بود که با تحریک روحانیت شیعی، انگیزه نارضایتی اجتماعی علیه دولتمردان حاکم را فراهم کرد. مردم محلی با بدگمانی به مبلغان پروتستان اولیه نگاه می‌کردند. علمای اسلامی استدلال می‌کردند که میسیونرهای مسیحی زمینه فرهنگ مادی‌گرایی و سکولاریسم را فراهم می‌کنند و بنابراین، در خدمت منافع اقتصادی خارجی‌ها هستند و قصدشان غارتگری و تسلط بر ایران است (Van Gorder, 2010, p. 126).

چهارم. دوره آغاز نهضت ترجمه فارسی کتاب مقدس: مسئله فقدان نسخه فارسی کتاب مقدس و مکتوب‌های تبشیری، از ابتدای ورود هیئت‌های تبشیری پروتستان به ایران یکی از دغدغه‌های آن‌ها بود. تأسیس هر کلیسا که زبان آن فارسی باشد مستلزم وجود مکتوب‌ها مناسب بود. در گزارش‌های مختلف میسیونرهای پروتستان به این نکته تأکید شده است. شهیرترین میسیونر دوره قاجار، کشیش «هنری مارتین» انگلیسی بود که در زمان «فتحعلی‌شاه قاجار» به ایران آمد و نقش مهمی در ترجمه کتاب مقدس به زبان فارسی داشت. او تحت حمایت شدید سفارت انگلستان قرار داشت. «سرگور اوزلی» سفیر انگلیس و «جان ملکم» نماینده کمپانی هند شرقی در ایران، شخصاً او را حمایت می‌کردند. وی قبل از آمدن به ایران در کشورهای دیگر منطقه نیز به فعالیت‌های موفق تبشیری پرداخته بود و از جمله میسیونرهای شهیر در منطقه هند تا ایران به حساب می‌آمد. در ۱۸۰۵ به هندوستان رفت و عهد جدید را به فارسی ترجمه کرد (امین و ثبوت، ۱۳۷۵، ص. ۲۵۷۰؛ Ward, 2006, p. 202). هنری مارتین ابتدا به ترجمه «آبراهام ویلاک»^۳ مراجعه کرد، اما دریافت که این ترجمه حاوی عبارات و اصطلاح‌های بیش‌ازحد عربی است و در کاربرد روزمره ارزشی ندارد. همچنین برای ترجمه فارسی اناجیل تحت نظارت «کلنل اچ کلبروک»^۴ در «کالج فورت ویلیام»^۵ کلکته

فعالیت کرد. این تلاش منجر به ترجمه اناجیل لوقا و متی در سال ۱۸۰۵ شد. مارتین در سال ۱۸۰۸ در هند با مترجمان «میرزا ثابت» و «میرزا فطرت»^۶ همکاری کرد (Van Gorder, 2010, p. 152). آموزشگاه‌هایی در هند تأسیس کرد و در مدت ۵ سال حضورش در هندوستان، سابقه فعالیت مؤثری در زمینه تبشیر داشت. پس از ورود به ایران نیز فعالیت گسترده‌ای انجام داد. در شهرهای مختلف با علمای اسلامی مباحثه می‌کرد. اختلاف‌های فرق مختلف، فقها و صوفیه را برجسته‌تر نمود و ردیه بر صوفیه نوشت. ردیه‌های بسیار بر کتب وی در ایران نوشته شد که در همان زمان مورد حمایت دربار ایران قرار گرفت. «الرد علی الفادری» و «سیف الامة و برهان الملة» به ترتیب از «آیت‌الله بهبهانی همدانی» و «علامه ملااحمد نراقی» از جمله این ردیه‌ها بوده‌اند (امین و ثبوت، ۱۳۷۵، ص. ۲۵۷۰؛ Ward, 2006, p. 202). مارتین ترجمه عهد جدید را در سال ۱۸۱۲ به پایان رساند. می‌خواست نسخه‌ای را شخصاً به شاه ارائه کند که فرصت این کار را پیدا نکرد، پس آن را به سرگور اوزلی سپرد تا به شاه دهد. او در نهایت در راه بازگشت به انگلستان در ترکیه درگذشت (Bradley, 2014, p. 235). تلاش‌های هنری مارتین در ایران منجر به جریان‌ساز شد. یکی از نتایجش، تشکیل «انجمن انگلیسی و خارجی کتاب مقدس»^۷ (BFBS) در ایران در سال ۱۸۱۴ بود. تمرکز اصلی این مرکز چاپ ترجمه کتاب مقدس مارتین در «انجمن کتاب مقدس روسیه» و سپس توزیع گسترده انجیل در سراسر ایران بود. یکی از عوامل توانای این سازمان، «بنجامین بدال»^۸ ارمنی بود که بیش از چهل و یک سال از عمرش را صرف توزیع کتاب مقدس در گوشه‌گوشه ایران کرد. او و همکارانش به علت نقض شرع و قوانین، بارها تهدید شده و به زندان هم رفتند. هنگامی که او در نهایت مجبور به بازنشستگی شد، دو ارمنی به نام‌های «عدل ناخوستین»^۹ و «آقا تاتاووس مایکلین»^{۱۰} جانسینان وی شدند. گروه‌های تبشیری این سازمان، بعدها هزاران انجیل، مکتوب‌های تبشیری را تا انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در ایران توزیع و به تبشیر می‌پرداختند. «انجمن انگلیسی و خارجی کتاب مقدس» در سال ۱۹۱۰ یک کتاب‌فروشی را در تهران افتتاح کرد که در سال ۱۹۱۴ تغییر مکان داد. این انجمن و «انجمن کتاب مقدس آمریکا»^{۱۱} (ABS) به اتفاق کتاب‌فروشی‌ای در سال ۱۹۶۴ راه‌اندازی کردند. توزیع این انجیل‌ها بنا بر ادعای نهادهای تبشیری نتایج

خوبی طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در گرایش مردم به مسیحیت داشته است. همه تلاش‌ها برای توزیع کتاب مقدس با ظهور انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ممنوع شد، اما برخی فعالیت‌ها از طریق شبکه‌های زیرزمینی ادامه یافت (Van Gorder, 2010, p. 150).

هر چند تبشیری‌ها توانستند کتاب مقدس و مکتوب‌هایی را طی قرن نوزدهم به فارسی برگردانند، اما مقاومت‌ها برای چاپ داخل ایران همیشه تداوم داشت. آرشیو کلیسای پرزبیتری گزارشی از سال ۱۸۷۲ داده که یکی از مسئولان ایرانی از هیئت تبشیری درخواست می‌کند مکتوب‌ها را به هیچ‌وجه به زبان‌هایی غیر از سریانی یا ارمنی منتشر نکنند. به‌خصوص به فارسی هیچ تولیدی انجام نشود. پس از جنگ جهانی اول (۱۹۲۴-۱۹۱۸)، کلیسای کاتولیک همین مسئله را نسبت به لازاریست‌ها در ایران مطرح کرده است. گزارش نهادهای تبشیری نشان می‌دهد آن‌ها تشخیص داده بودند مقام‌های ایرانی چاپ آثار به زبان سریانی و بومی مسیحیان را تشویق می‌کردند تا از تبشیر بالقوه به زبان فارسی جلوگیری کنند. گزارش میسیونرهای آمریکایی در نیمه دوم قرن نوزدهم نشان می‌دهد که آن‌ها معترض بودند چرا مسیحیان بومی به زبان‌های محلی صحبت و مکتوب‌هایشان نیز به همان زبان است که مسلمانان درک نمی‌کنند (Gleave, 2004, p. 282). این دوره، مبشران کارکشته‌ای بیشتر فردی به ایران اعزام می‌شدند، اما توانسته‌اند محیط اجتماعی ایرانیان را بشناسند و به نسل بعدی انتقال دهند؛ به‌عنوان نمونه هنری مارتین، شایع کرده بود که می‌خواهد پس از تحقیق‌هایی مسلمان شود تا به این منظور علمای اسلامی کمتر به او سخت بگیرند و فرصت عمل پیدا کند تا در مورد آموزه‌های اسلامی به جدل بپردازد. او از برخی از علما حتی جزوه‌هایی را نیز درخواست کرده بود. وی همچنین جشن‌هایی برپا می‌کرد و به این وسیله صاحب‌منصبان و افراد مختلف را دعوت و به تدریج زمینه نفوذ فرهنگی را برای مبشران فراهم می‌کرد (ره‌دار، ۱۳۸۴، صص. ۳۴-۳۵).

پنجم. دوره هجوم سازمان‌های تبشیری: پنج دهه انتهایی حکومت قاجار را باید اوج هجوم نهادهای تبشیری، به‌خصوص پروتستان، به ایران نامید. سازمان‌های مختلفی به مأموریت تبشیری در ایران اعزام شدند. افزایش اعزام هیئت‌های میسیونری اروپایی به ممالک دیگر (به‌خصوص در غرب آسیا) متناسب با افزایش قدرت آن‌ها بوده است. در

این خصوص می‌توان دو جریان اصلی را شناسایی کرد:

جریان (۱). تبشیر انگلیسی: رشد تدریجی بریتانیا به‌عنوان یک قدرت جهانی، منجر به گسترش فعالیت‌های میسیونرهای مسیحی انگلستان در اواخر قرن هجدهم در ایران شد. در همین دوران پدیده جدیدی در عرصه تبشیر بین‌المللی ظهور کرد تا بتواند همراه با استعمار نظامی و سیاسی، راه را برای استعمار فرهنگی و دینی نیز باز کند؛ چراکه در بسیاری موارد، رهبران کلیساهای سستی در غرب تمایلی به درگیری در طرح‌هایی استعماری نداشتند و چنین اعزام‌هایی را به ابتکارهای فردی و عاظم و حمایت مالی داوطلبانه مردمی یا حکومتی واگذار می‌کردند. همچنین دولت‌های غربی می‌خواستند آموزش میسیونرها زیر نظرشان باشد. در نتیجه این موارد بود که سازمان‌های تخصصی تبشیری در این عصر تأسیس شدند. یکی از این سازمان‌ها، «انجمن تبشیری کلیسا» بود که در سال ۱۷۹۹ میلادی توسط چندین کشیش انجیلی انگلیکن تأسیس شد. در سال‌های اولیه، تعداد میسیونرها کم بودند؛ اما به تدریج، با مشخص شدن منافع تبشیر در استعمار دیگر ملل، حمایت‌ها هم افزایش یافت. این سازمان در ابتدا میسیونرهای مرد را آموزش می‌داد و به کشورهایی نظیر ایران ارسال می‌کرد. با درک مزایای استفاده از مبشران زن برای تبشیر زنان بومی، زنان زیادی به‌عنوان میسیونرهای کارآموزده به نقاط مختلف از جمله ایران اعزام شدند و موفقیت‌هایی را رقم زدند (Berling, 2013, p. 97). «انجمن تبشیری کلیسا» پایگاه محکم تبشیری و مراکز آموزشی خود را طی قرن نوزدهم ایجاد کرد. سال ۱۸۶۹، آغاز اعزام رسمی مأموریت تبشیری زنان و مردان میسیونر به ایران بود. همسران میسیونرها نیز فعالیت تبشیری انجام می‌دادند که بازده مأموریت را افزایش می‌داد. از سال ۱۸۸۲ و به‌ویژه از دهه ۱۸۹۰ اعزام زنان مجرد به بخش عمده اعزام‌های تبشیری این سازمان بدل شد، اما هیچ‌گاه دلایل آن افشا نشد.

مجموع اعزام هیئت‌های میسیونری انگلستان به ایران منجر به تأسیس کلیسای انگلیکن در ایران شد (Berling, 2013, p. 98). این کلیسا در ایران به کلیسای اسقفی مشهور و در نتیجه فعالیت‌هایش توانست در اواخر قرن نوزدهم به یکی از مراکز فعال میسیونری در ایران تبدیل شود (Bradley, 2014, p. 237). شیوه‌های به‌کارگرفته‌شده توسط

«انجمن تبلیغی کلیسا» در ایران برای تبشیر مسلمان در این دوره عبارت بوده‌اند از: تمرکز بر اقلیت‌های دینی، اعانه و دستگیری از فقرا، ایجاد کارگاه‌های صنعتی و استخدام نوکیشان، اعزام مبشران زن به ایران و جذب زنان به مسیحیت، چاپ و توزیع کتب دینی و تبلیغ در میان ایلات، فعالیت در حوزه آموزشی و ساخت مدارس، ارائه خدمات درمانی (تشکری بافقی، ۱۳۹۲، صص. ۱۵-۲۹).

منتقدان تبشیر، معتقدند میسیونرهای انگلیسی در عصر توسعه امپراتوری‌ها، در خدمت حکومت‌ها برای توسعه قدرتشان و از عناصر امپریالیسم فرهنگی بوده‌اند. در دوران ویکتوریا، هیئت‌های اعزامی تبشیری تلاش داشتند فرهنگ غربی را به‌عنوان هنجارهای ممتاز در جامعه ایران تثبیت کنند و انحراف‌های غیرمجاز از نظر فرهنگ ایرانی را ایجاد نمایند (Berling, 2013, p. 106). به‌عنوان مثال میسیونر رابرت بروس^{۱۲} و همسرش در سال ۱۸۶۹ برای دوسال به ایران فرستاده شدند (برومند، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۶). آن‌ها در میان قحطی وحشتناک وارد اصفهان شدند. مردم به تغذیه نیاز داشتند و آن‌ها در این زمینه فعال شدند. سپس یتیم‌خانه‌ای راه‌اندازی کردند. در سال ۱۸۷۵ پس از یک دوره شش‌ساله توانستند فعالیت «انجمن تبلیغی کلیسا»^{۱۳} را در ایران به رسمیت برسانند. به این ترتیب میسیونرهای بیشتری به سوی ایران گسیل شدند و شاهد آن هستیم که در اوایل قرن بیستم انگلیکن‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و کلیساها را در اصفهان، شیراز و کرمان تأسیس کردند؛ و یا در یزد کار پزشکی و آموزشی انجام می‌دادند. مبلغان و نوکیشان‌شان، تبشیر در محلات را انجام می‌دادند که گاهی منجر به ایجاد کلیساها می‌شد. لازم به ذکر است که در شمال ایران کلیساهای انگلیکن وجود نداشت. این مسئله به این دلیل بود که تبشیری‌های انگلیسی با پرزبیتری‌های آمریکایی به توافق رسیده بودند که فعالیتشان را در جنوب ایران متمرکز کنند، درحالی‌که آمریکایی‌ها در شمال متمرکز شوند. با این حال، در دهه ۱۹۵۰، انگلیکن‌ها توانستند کلیسایی را در تهران افتتاح و فعالیت‌های تبشیریشان تا انقلاب اسلامی ایران ادامه دهند. دستاوردهای آن‌ها را می‌توان در چند محور برشمرد: یکم. جغرافیایی، این مأموریت‌ها حضور مسیحیان را در سراسر پهنه ایران توزیع کرد؛ دوم. قومیتی، تبشیر قومیت‌های مختلف ایرانی را وارد مسیحیت کرد. قبل از ورود هیئت‌های میسیونری خارجی بخصوص انگلیسی و آمریکایی، مسیحیان ایرانی عمدتاً به آشوریان و آرامنه

محدود می‌شدند (Bradley, 2014, p. 238؛ برومند، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۶؛ آدمیت، ۱۳۷۸، ص ۴۳۷). البته مسیحیان شاخه‌های مختلف ارتدکس ساکن ایران مانند ارامنه از این مسئله بسیار ناخرسند بودند و تمام تلاش خود را برای جلوگیری از فعالیت هیئت‌های تبشیری پروتستان و به‌خصوص انگلیکن در ایران کردند. حتی اسقف اعظم کلیسای ارامنه در ۱۸۷۳ م حکم به محرومیت اجتماعی ارامنه تغییر کلیسا داده داد. هرگونه همکاری با پروتستان‌ها ممنوع شد؛ حتی به سراغ علمای طراز اول شیعیان می‌رفتند تا آن‌ها را نیز نسبت خطر فعالیت هیئت‌های تبشیری پروتستان برای جامعه اسلامی آگاه کنند. پروتستان‌ها را فرقه‌ای گمراه در مسیحیت معرفی می‌کردند که می‌خواهند مسیحیان را هم گمراه کنند (Bassett, 1886, pp. 335-336).

جریان (۲). تبشیر آمریکایی: هیئت‌های تبشیری آمریکایی تلاش داشتند از دیگر رقبای خود عقب نمانند. «کلیسای پرزبیتی اصلاح‌شده»^{۱۴} ایالات متحده، هیئت‌هایی به ایران گسیل کرد (Smith & Kemeny, 2019, P. 198). ویلیام گلن^{۱۵} در سال ۱۸۱۷ وارد ایران شد و همراه فعالیتش در ایران تا سال ۱۸۴۶ بر چاپ کل کتاب مقدس به زبان فارسی نظارت کرد. در سال ۱۸۳۴، جاستین پرکینز^{۱۶} و همسرش راهبرد جدیدی برای تبشیر در ایران بنیان نهادند تا از مسیحیان ارتدکس بومی برای ایجاد پایگاه برای تبشیر مسلمانان استفاده کنند، پس آن‌ها را «پروتستان‌های شرق» نامیدند. بعدها گرانت^{۱۷} پزشک آمریکایی نیز به آن‌ها ملحق، و مدعی شدند که نسطوریان مسیحی ایران یکی از قبایل گمشده بنی اسرائیل هستند. این هیئت مدارس و درمانگاه‌هایی را تأسیس کرد. فعالیت‌های هیئت‌های آمریکایی باعث شد در پایان قرن نوزدهم حداقل نه سازمان میسیونری آمریکایی به‌طور جداگانه در ایران پایگاه‌زده و مشغول تبشیر باشند (Bradley, 2014, p. 236). نام هیئت تبشیری آمریکایی که در ابتدا «میسون برای نسطوریان ایران» بود پس از فوت پرکینز به «میسون آمریکایی در ایران» تغییر کرد؛ چراکه دامنه فعالیت‌هایش نیز همه مردم ایران شد. مدارس آمریکایی در ایران زیر نظر همین هیئت راه‌اندازی و اداره می‌شدند (تشکری بافقی، ۱۳۹۲، ص. ۴). تأسیس مدارس ابتدا در ارومیه و سپس به مناطق همجوار (نک. جدول شماره ۱) توسعه یافتند (Van Gorder, 2010, p. 161).

جدول شماره (۱): رشد مدارس مسیحی تبشیری میسیونری آمریکایی از سال ۱۸۳۷ تا ۱۸۹۵

سال	تعداد مدارس	تعداد شاگردان
۱۸۳۷ - ۴۷	۲۴	۵۳۰
۱۸۴۷ - ۵۷	۵۰	۹۴۸
۱۸۵۷ - ۶۷	۵۱	۱۰۹۶
۱۸۶۷ - ۷۷	۵۸	۱۰۲۴
۱۸۷۷ - ۸۷	۸۱	۱۸۳۳
۱۸۹۵	۱۱۷	۲۴۱۰

(منبع: الدر، ۱۳۳۳؛ Ghazvinian, 2021, pp. 23-25; Van Gorder, 2010, p. 161)

نهادهای پروتستان آمریکایی در این زمان میسیونرهایشان را برای فعالیت در ایران مأمور کردند. برخلاف برخی دیگر، می‌دانستند که نباید با مسیحیان ارمنی یا آشوری بومی ارتدکس یا کاتولیک مقابله کنند؛ با وجود چنین تدبیری، پروتستان‌های انجیلی توسط کلیساهای بومی ایران تکفیر شدند و توسط مسیحیان ارتدکس و کاتولیک حکم به تحقیر آن‌ها صادر شد. «برادران پلیموت» در انگلستان و «کلیساهای برادران آمریکا»^{۱۸} میسیونرهایی را به ایران ارسال کردند. آن‌ها با چند فعال بومی مسیحی در ارومیه گروه تبشیری «مأموریت اویشالوم»^{۱۹} را تشکیل دادند. «کلیساهای قدسی وزلی»^{۲۰}، «جماعت گرایان»^{۲۱} انگلیسی و «بپتیست‌های شمالی و جنوبی»^{۲۲} نیز در قرن نوزدهم میسیونرهایی را به ارومیه فرستادند. آغاز ورود میسیونرهای پنطیکاستی به ایران نیز به انتهای دوره قاجار بازمی‌گردد، اما رشد و گسترش چشمگیرشان در دوره پهلوی رخ داد (Van Gorder, 2010, p. 145).

مجموع امتیازها یا سهل‌انگاری‌ها در حکومت قاجار، موجب سهولت تبشیر شد؛ پیروزی بزرگی که با مشارکت مستقیم سفارت‌خانه‌های اروپایی در تهران، به‌خصوص انگلستان، به‌دست آمد و راه را برای نفوذ هر چه بیشتر غرب تسهیل کرد؛ اما میسیونرها نیز نسبت به آن بی‌تفاوت نبودند و درمقابل، ادبیات به‌کارگرفته‌شده در گزارش‌ها و یادداشت‌هایشان نسبت به ایران و ایرانیان را نرم‌تر کردند (Van Gorder, 2010, p. 126). چنانچه مورد اشاره قرار گرفت به‌تدریج از ابتدای حکومت قاجار به سمت

انتهای آن که پیش می‌رویم تعامل‌ها و وابستگی این حکومت به کشورهای غربی توسعه یافت و این مسئله سهم به‌سزایی در تغییر سیاست‌های حکومت در قبال جریان تبشیر داشت چرا که سفارت‌خانه‌های خارجی به‌شدت از هیئت‌های میسیونری حمایت می‌کردند و این موجب به‌حاشیه‌راندن اصول شرعی و ایدئولوژیک حکومت قاجار در تصمیم‌گیری در این زمینه شد.

نتیجه‌گیری

در زمینه تبشیر در ایران باید اشاره کرد که در دوره‌های مختلف هیئت‌های تبشیری از فرق کلیسایی مختلف به ایران (جغرافیای امروزی) آمده و به فعالیت‌های مختلف تبشیری اقدام کرده‌اند، اما در چند دوره تاریخی شاهد هجوم بیشتری بوده‌ایم. یکی از این دوره‌ها، عصر قاجار است که در ابتدا با عدم موفقیت برای آن‌ها همراه بوده، اما به تدریج در نتیجه آشنایی با حساسیت‌های درونی جامعه ایران در شرایط بهتری قرار گرفتند. نهضت ترجمه کتاب مقدس و متون تبشیری در این دوران رشد قابل‌توجهی داشت. فعالیت‌های آشکار تبشیری در این زمان موجب حساسیت علما و درنهایت ممنوعیت تبشیر شد که البته تا حد زیادی صوری بوده و کاملاً اجرایی نشد. دوره قاجار با ظهور نهادهای بزرگ و سازماندهی شده تبشیری همراه بوده است، به‌همین دلیل هم هیئت‌های تبشیری توانستند به دستاوردهای جدیدی دست یابند. تبشیر مسیحی طی دوره قاجار وارد مرحله نفوذ اجتماعی هم شد. میسیونرهای اعزامی به ایران نه تنها از انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی، بلکه از آمریکا هم وارد ایران شدند. هر چه در تاریخ عصر قاجار به پیش می‌آییم فعالیت مبشران منسجم‌تر و سازمان‌یافته‌تر می‌شود و به تدریج در دوران قاجار سازمان‌های تبشیری با مدیریت خود بر روند تبشیر توانستند شبکه‌ای از مدارس و بیمارستان‌ها را تأسیس کنند تا پایگاه خوبی برای گسترش تبشیر در آینده فراهم شود. جریان تبشیر طی دوران حکومت قاجار تلاش کرد تا از فشاری که علمای مسلمان بر آن وارد می‌کنند و همچنین ایدئولوژی سیاسی حکومت قاجار که همان تبیین جایگاه ظل‌اللهی پادشاه بوده است، بگریزد. چالش‌های سیاسی در این زمینه کمک شایانی به جریان تبشیر کرد. وقوع انقلاب مشروطه و ناآرامی‌های سیاسی مختلف، مفر بسیار ارزشمندی برای جریان تبشیر بود. همچنین عقب‌ماندگی نظامی و

مالی حکومت قاجار از دول اروپایی و دریافت وام‌های مختلف که نفوذ غربی‌ها در کشور را در پی داشت، مزید بر علت بود تا بتوانند از قوانین ممنوعیت تبشیر در ایران فرار کنند و به توسعه فعالیت‌های خود بپردازند. فساد در دربار و دولتمردان هم از دیگر عواملی بود که موجب می‌شد که حتی قوانین موجود در جلوگیری از فعالیت‌های تبشیری در ایران هم به صورت واقعی اجرا نشوند. در مجموع می‌توان گفت تبشیر مسیحی به دلیل مغایرت در محتوا و غیریت‌سازی ایدئولوژی سیاسی حکومت قاجار با آن به صورت غیر آشکار فعالیت خود را به پیش برده است، اما به تدریج با وابستگی نسبی مالی و سیاسی حکومت قاجار به دول غربی و بی‌ثباتی در قدرت سلطنت قاجار ناشی از بحران‌های سیاسی، همچنین نفوذ گسترده دولتمردان غربگرا که تمایلی به غیریت‌سازی با تبشیر در عمل نداشتند، تبشیر مسیحی توانست به صورت آشکارا فعالیت‌های گسترده‌ای را به انجام رساند. همین دلایل موجب شد که شاهد هر دو گونه تبشیری در این دوره باشیم. در یک کلام جریان تبشیر از فعالیت به گونه پنهان به فعالیت به گونه آشکار در دوره قاجار پیش رفت.

یادداشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشجوی امید رضایی به راهنمایی دکتر سیدمحمد رضا طباطبایی و مشاوره آقایان دکتر اصغر افتخاری و محمدصادق نصرت پناه است که در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام دفاع شده است. بدین وسیله از اساتید محترم بابت راهنمایی و مشاوره تشکر می‌شود.

2. Carla Serena
3. Abraham Whelock
4. H. Colebrook
5. Fort William College
6. Mirza Sabat and Mirza Fitrat
7. The British and Foreign Bible Society
8. Benjamin Badal
9. Adl Nakhosteen
10. Aga Tatavos Michaelian
11. The American Bible Society
12. Robert Bruce
13. chuarch Missionary society
14. The Associate Reformed Presbyterian Church (ARPC)
15. Dr William Glenn

16. Justin Perkins
17. Dr Grant
18. The Brethren Churches of America
19. Awishalum Mission
20. Wesleyan Holiness churches
21. Congregationalists
22. Northern and Southern Baptists

کتابنامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۷۸). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ مغول*. تهران: امیرکبیر.
- اقبال آشتیانی، عباس و منصوری، فیروز (۱۳۸۴). *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*. تهران: امیرکبیر.
- الدر، جان (۱۳۳۳). *تاریخ مسیون آمریکایی در ایران (سهیل آذری. مترجم)*. تهران: انتشارات نور جهان.
- امین، سیدحسین (۱۳۷۵). مدخل «تبشیر»، *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، (جلد ۱)، [3244/1/https://lib.eshia.ir/23019/](https://lib.eshia.ir/23019/3244/1)
- امین، سید حسن و ثبوت، اکبر (۱۳۷۵). مدخل «پادری»، در: *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ج ۱. [Htt://lib.eshia.ir/23019/1/2570](https://lib.eshia.ir/23019/1/2570)
- امینی نژاد، بهاره (۱۳۹۴). *روابط یهودیان و میسیونرهای پروتستان در عهد قاجار (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)*. یزد: دانشگاه یزد.
- افتخاری، اصغر؛ نصرت‌پناه، محمد صادق؛ رضائی، امید (بی‌تا)، «تحلیل تأثیرات ایدئولوژی سیاسی بر تبشیر مسیحی در ایران معاصر»، *نشریه علمی پژوهشی دانش سیاسی*. (مقاله در بخش مقاله‌های در انتظار چاپ سامانه نشریه موجود است).
- برومند، صفورا (۱۳۸۱). *پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا C.M.S در دوره قاجاریه*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- برینگتن‌وارد، سیمون (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر شناخت مسیحیت*. (همایون همتی، مترجم). تهران: انتشارات نقش جهان مهر.
- پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۰). *تاریخ ایران از آغاز تا انتقراض سلسله قاجاریه*. تهران: خیام.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۸). «سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. (۱)۵، ۱۱۵-۱۵۷.

تشکری بافقی، علی اکبر (۱۳۹۲). «کارکرد انجمن تبلیغی کلیسا در عصر قاجار: موانع و راهکارها»، *مجله علمی و پژوهشی تاریخ ایران*، ۶(۱)، ۱-۳۶.

https://irhj.sbu.ac.ir/article_94906.html

توحیدی، محمدضیاء (۱۳۹۳). *حضرت عیسی (علیه السلام) در قرآن و انجیل*. تهران: کانون اندیشه جوان.

حاجیان پور، حمید و بینشی فر، فاطمه (۱۳۹۵). نقش مبلغان مذهبی در گسترش پزشکی در دوره قاجار. *مجله تاریخ پزشکی - علمی پژوهشی*، ۸(۲۶)، ۷۷-۱۰۴.

<https://doi.org/10.22037/mhj.v8i26.19542>

حاجیان پور، حمید و خاموشی، موسی (۱۳۹۵). «مسیونرهای آمریکایی و فعالیت در میان نسطوریان ارومیه و روستاهای اطراف آن (۱۸۴۳-۱۸۳۵م/۱۲۵۹-۱۲۵۱ق)»، *جستارهای تاریخی*، ۷(۲)، ۱۹-۴۴.

https://historicalstudy.ihs.ac.ir/article_2323.html

خاموشی، موسی (۱۳۹۶). *فعالیت‌های مسیونرهای آمریکایی در آذربایجان ۱۸۳۴-۱۸۷۰ م*. (رساله دکتری)، دانشگاه شیراز. قابل بازیابی از پایگاه اطلاعات علمی ایران.

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/23147653866f346dd234b0a0eccbb89e>

خوشحال، امیر و عابدینی، صمد (۱۳۹۰). «جایگاه و خواستگاه نخبگان سیاسی و فکری در ایران میان دو انقلاب، از انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ تا انقلاب سال ۱۳۵۷ هـ ش و نقش حاکمیت در آن»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۳(۹)، ۱۱۵-۱۳۵.

رایت، دنیس (۱۳۸۵). *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان* (اسکندر دلد، مترجم). تهران: به‌آفرین. ربانی‌زاده، سید محمد رحیم و لطفی، لطف‌الله (۱۳۹۴). «ساختار قدرت در ایران عصر ناصر»، *جستارهای سیاسی معاصر*، ۴(۶)، ۵۷-۷۷.

رستمی، مسعود و زیباکلام، صادق (۱۳۹۷). «تبارشناسی ایدئولوژی ناسیونالیسم باستان‌گرا و دیگری‌سازی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۸(۳)، ۱۲۷-۱۵۱.

<https://priw.ir/article-1-812-fa.html>

رهدار، احمد (۱۳۸۴). «مبلغان مسیحی و تبلیغ علیه اسلام در ایران عصر قاجاریه»، *رواق اندیشه*، ۴۹(۴)، ۳۰-۵۹.

زیبایی نژاد، محمد رضا (۱۳۸۹). *مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای*. تهران: انتشارات سروش. صدری، بهنام (۱۳۷۴). *مسیونرهای مذهبی در ایران دوره اول قاجاریه* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی تهران. قابل بازیابی از پایگاه اطلاعات علمی ایران.

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/fcbb9e37f05c348d13d58ba43cf32919>

طالبی دارستانی، سمیه (۱۴۰۰). *بررسی فعالیت تبشیری مسیونرها در غرب آذربایجان دوره*

- قاجار ۱۳۴۴-۱۲۱۰ق. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا تهران. قابل‌بازیابی از پایگاه اطلاعات علمی ایران.
<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/40187be37535f23cc551885990bc93ade>
علیزاده بیرجندی، زهرا و حمیدی، سمیه (۱۴۰۰). «بررسی سیر تطور بدن نمادین سلطان در نظام پادشاهی ایران»، نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام. ۱۵(۲۸)، ۲۰۷-۲۳۰.
doi: 10.22111/jhr.2020.31166.2618
- لوسانیان، سیدزهیر (۱۳۹۲). عیسی (ع) در قرآن. تهران: انتشارات بیان جوان.
محمدی، شمس‌اله (۱۳۸۵). بررسی عملکرد میسیونرهای مذهبی در آذربایجان غربی بین سال‌های ۱۹۴۵-۱۸۸۰م. (کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی کرج.
نفیسی، سعید (۱۳۹۲). مسیحیت در ایران تا صدر اسلام. تهران: نشر اساطیر.
- Baskan, B.(2014). *From Religious Empires to Secular States: State Secularization in Turkey, Iran, and Russia*. United States: Taylor & Francis.
Bassett, J.(1886). *Persia: The Land of the Imams. A Narrative of Travel and Residence, 1871-1885*. United States: Scribner.
Becker, A. H.(2015). *Revival and Awakening: American Evangelical Missionaries in Iran and the Origins of Assyrian Nationalism*. United States: University of Chicago Press.
Berling, J.(2013). *Anglican Women on Church and Mission*. United Kingdom: Church Publishing Incorporated.
Blake, K.(2009). *The U.S.-Soviet Confrontation in Iran, 1945-1962: A Case in the Annals of the Cold War*. United States: University Press of America.
Bradley, M.(2014). *Too Many to Jail: The Story of Iran's New Christians*. United Kingdom: Lion Hudson Limited.
Deel, Ruth.(2017). *Evangelism From The Heart*. Meadville, PA: Christian Faith Publishing.
Ghazvinian, J.(2021). *America and Iran: A History, 1720 to the Present*. United States: Knopf Doubleday Publishing Group.
Gleave, Robert.(2004). *Religion and Society in Qajar Iran*. United Kingdom: Taylor & Francis.
Hale, T.(1995). *On Being a Missionary*. United States: William Carey Library.
Price, M.(2005). *Iran's Diverse Peoples: A Reference Sourcebook*. United States: ABC-CLIO.
Rhodes,Ron (2015).The Complete Guide to Christian Denomination. United State: Harvest House Pub.
Ringrose, D.(2018). *Europeans Abroad, 1450-1750*. United States: Rowman & Littlefield Publishers.
Sanasarian, E.(2000). *Religious Minorities in Iran*. United Kingdom: Cambridge University Press.
Smith, Gary. S., Kemeny, P. C.(Eds.).(2019). *The Oxford Handbook of Presbyterianism*. United Kingdom: Oxford University Press.

- ۴۷۱
- Spellman, K.(2004). *Religion and nation: Iranian local and transnational networks in Britain*. United Kingdom: Berghahn Books.
- Van Gorder, A. C.(2010). *Christianity in Persia and the Status of Non-muslims in Iran*. Ukraine: Lexington Books.
- Ward, Kevin.(2006). *A History of Global Anglicanism*. United Kingdom: Cambridge University Press.
- Waterfield, R.(2012). *Christians in Persia (RLE Iran C): Assyrians, Armenians, Roman Catholics and Protestants*.(n.p.): Taylor & Francis.
- Wilson, S. G.(1895). *Persian Life and Customs: With Scenes and Incidents of Residence and Travel in the Land of the Lion and the Sun*. United Kingdom: F.H. Revell Company.

